## مسأله 29: عدم جریان حکم در زن غیر مصلیه

## جلسه 94-446

**سه‌شنبه - 12/01/۹9**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

صاحب عروه در مسأله 29 فرموده اذا کان الرجل یصلی و بحذاءه او قدامه امرأة من غیر ان تکون مشغولة بالصلاة لاکراهة و لااشکال و کذا العکس. فالاحتیاط او الکراهة مختص بصورة اشتغالهما بالصلاة. فرموده است: این‌که محاذات بین زن و مرد اشکال دارد یا مکروه است در فرضی است که زن و مرد هر دو مشغول نماز باشند اما اگر یکی در کنار دیگری نشسته است مشغول نماز نیست، فقط یکی از این دو نماز می‌‌خواند، نه کراهتی هست و نه این‌که اشکالی و احتیاطی در محاذات این دو.

این فرمایش مطابق با نظر مشهور است و از بعض روایات هم استفاده شده:

مثلا در روایت صحیحه ادریس بن عبدالله قمی آمده است: سألت اباعبدالله علیه السلام عن الرجل یصلی و بحیاله امرأة قائمة علی فراشها جنبه فقال ان کانت قاعدة فلایضرک و ان کانت تصلی فلا. وسائل الشیعة جلد 5 صفحه 121.

و همین‌طور در معتبره عبدالرحمن بن ابی عبدالله است سألت اباعبدالله علیه السلام عن الرجل یصلی و المرأة بحذاءه عن یمینه او عن یساره فقال لابأس اذا کانت لاتصلی.

و در موثه عمار هم آمده: از امام صادق علیه السلام سؤال شده الرجل یستقیم له ان یصلی و بین یدیه امرأة تصلی امام فرمود اذا کانت المرأة قاعدة أو نائمة أو قائمة فی غیر صلاة فلابأس حیث کانت.

این روایات راجع به این هست که مرد نماز می‌‌خواند و زن در کنارش است. از این روایات قطعا استفاده می‌‌شود که این محاذات مانعیت ندارد. اما نفی کراهت از این روایات استفاده نمی‌شود. بله، اگر نقطه مقابلش این بود که زن و مرد در کنار هم نماز بخوانند مکروه است، مفاد این روایات این بود که اگر زن نماز نمی‌خواند آن حکم کراهت نیست اما چون ظاهر این روایات این بود که محاذات بین زن و مرد وقتی هر دو نماز می‌‌خوانند حرام است یعنی مانع از صحت صلات این دو هست طبعا وقتی که زن نماز نمی‌خواند این مانعیت نیست، اما کراهت نفسیه هم نیست؟ از این روایات استفاده نمی‌شود. فقط مهم این است که دلیل بر کراهت نداریم.

بله ممکن است کسی بگوید موثقه عمار چون فرموده است در فرض نماز زن و مرد در کنار هم اگر فاصله‌شان ده ذراع یا کمتر باشد این کار را نکنند، ‌فاصله‌شان را بیش از ده ذراع قرار بدهند و این را ما حمل بر کراهت کردیم طبعا این بخش از موثقه عمار هم که می‌‌فرماید اگر زن نماز نمی‌خواند مشکلی نیست، این هم معنایش این می‌‌شود که آن کراهت این‌جا نیست.

مهم در مقام عکس این مسأله است که زن نماز می‌‌خواند در کنارش مردی هست مشغول نماز نیست، آیا این مکروه است یا مکروه نیست؟

مرحوم آقای داماد فرمودند: از بعض روایات ممکن است استفاده کنیم این مکروه است یا حتی اگر محاذات بین زن و مرد مبطل نماز باشد، بگوییم این‌جا هم نماز این زن که در کنارش یک مردی نشسته یا جلوی رویش نشسته این موجب بطلان نماز این زن است. ایشان در کتاب الصلاة جلد 3 صفحه 64 برخی از روایات را مطرح می‌‌کنند. که ما به بخشی از آن اشاره می‌‌کنیم:

روایت اول صحیحه فضیل: المرأة تصلی بین یدیک و عن یمینک و عن یسارک و معک و لابأس بذلک و انما یکره فی سایر البلدان. راجع به مکه حضرت فرموده است زن در کنار تو نماز می‌‌خواند و این اشکالی ندارد، در سایر بلاد این مکروه است. ایشان فرموده‌اند: المرأة تصلی بین یدیک و عن یمینک و عن یسارک اطلاق دارد چه این مرد مشغول نماز باشد چه نباشد؟

روایت دوم روایت حریز است عن ابی عبدالله علیه السلام فی المرأة‌ تصلی الی جنب الرجل قریبا منه اقل اذا کان بینهما موضع رحل فلابأس یا موضع رجل فلابأس. ایشان فرموده‌اند: این روایت هم فرض نشده در آن‌که مرد نماز می‌‌خواند، ‌المرأة‌ تصلی الی جنب الرجل قریبا منه، فرمود اگر بین این‌ها به اندازه یک رحل یا یک مرد فاصله باشد اشکالی نیست، مفهومش این است که در غیر این صورت اشکال دارد.

روایت سوم صحیحه زراره است عن ابی جعفر علیه السلام قال سألته عن المرأة تصلی عند الرجل فقال لاتصل المرأة‌ بحیال الرجل الا ان یکون قدامها و لو بصدره. در این صحیحه هم فرض نشده که مرد نماز می‌‌خواند المرأة‌ تصلی عند الرجل امام فرمود لاتصلی المرأة بحیال الرجل زن در کنار مرد نماز نخواند مگر مرد جلوتر از زن باشد.

یا در روایت دیگر دارد که محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام نقل می‌‌کند فی المرأة تصلی عند الرجل فقال اذا کان بینهما حاجز فلابأس. مفهومش این است که اذا لم یکن بینهما حاجز ففیه بأس و در این روایت هم فرض نشده که مرد نماز می‌‌خواند.

به نظر ما این فرمایش ناتمام است. چرا؟ برای این‌که در جو فقهی آن زمان این گونه مطرح بود که آیا زن و مرد کنار هم نماز بخوانند ایراد دارد یا ایراد ندارد؟ در این جو فقهی وقتی بیایند مطرح کنند و سؤال کنند که زنی در کنار مردی نماز می‌‌خواند، اطلاق دیگه منعقد نمی‌شود در این روایات نسبت به آن فرضی که مرد نشسته در کنار زن و مرد مشغول نماز نیست. و اگر حکم این بود که مرد در کنار زن اگر بنشیند نماز زن ایراد پیدا می‌‌کند این حکم مطرح می‌‌شد و واضح می‌‌شد نزد متشرعه در حالی که کسی قائل به آن نشده. و در صحیحه محمد بن مسلم قبلا خواندیم که بود المرأة و الرجل یتزاملان فی المحمل، ‌حضرت فرمود با هم نماز نخوانند، و لکن یصلی الرجل فاذا فرغ صلت المرأة، ظاهرش این است که مرد که نمازش را تمام کرد همآن‌جا می‌‌ماند زن شروع می‌‌کند به نماز خواندن و این اشکالی پیدا نمی‌کند.

# مسأله 30: نماز در سطح و جوف کعبه

در مسأله 30 صاحب عروه فرموده است: الاحوط ترک الفریضة علی سطح الکعبة و فی جوفها اختیارا و لابأس بالنافلة بل یستحب ان یصلی فیها قبال کل رکن رکعتین و کذا لابأس بالفریضة فی حال الضرورة و اذا صلی علی سطحها فاللازم ان یکون قباله فی جمیع حالاته شیء من فضاءها و یصلی قائما و القول بانه یصلی مستلقیا متوجها الی البیت المعمور أو یصلی مضطجعا ضعیف.

در این‌جا دو مسأله است: یک مسأله نماز بر پشت‌‌بام کعبه است یک مسأله نماز در داخل کعبه است. اگر بخواهیم علی القاعدة در این دو مورد اظهار نظر بکنیم، مقتضای قاعده این است که نماز اختیارا نه در سطح کعبه و پشت‌بام آن جایز است نه در داخل کعبه. چون شرط نماز استقبال قبله است، فاینما کنتم فولوا وجوهکم شطره، در نماز هر کجا که هستید باید به جهت کعبه متوجه بشوید و لو ضمیر به مسجد الحرام بر می‌‌گردد ولی مراد کعبه است چون در داخل مسجد الحرام به سمت کعبه نماز می‌‌خوانند نه به سمت مسجد الحرام. پس آیه مفادش این است که هر کجا باشید و نماز بخواهید بخوانید باید استقبال کعبه بکنید. روبروی کعبه بایستید و نماز بخوانید. کسی که داخل کعبه نماز می‌‌خواند یا بالای پشت‌بام کعبه نماز می‌‌خواند، این عرفا متوجه کعبه نشده. و لذا مقتضای قاعده این است که نماز در سطح کعبه یا داخل کعبه اختیارا جایز نیست.

در رابطه با نماز در سطح کعبه ما دو روایت داریم و هر دو روایت ضعیف است:

روایت اول روایتی است که در وسائل الشیعة جلد 4 صفحه 340 نقل می‌‌کند از صدوق به اسنادش از شعیب بن واقد از حسین بن زید از امام صادق علیه السلام عن آباءه علیهم السلام فی حدیث المناهی قال نهی رسول الله صلی الله علیه و آله عن الصلاة علی ظهر الکعبة. سند صدوق به حدیث مناهی ضعیف است.

روایت دوم باز وسائل الشیعة در همان صفحه نقل می‌‌کند از کلینی از علی بن محمد از اسحاق بن محمد از عبدالسلام بن صالح عن الرضا علیه السلام فی الذی تدرکه الصلاة و هو فوق الکعبة قال علیه السلام ان قام لم یکن له قبلة‌ و لکن یستلقی علی قفاه نباید ایستاده بر پشت‌بام کعبه نماز بخواند چون قبله او از بین می‌‌رود بلکه باید روی پشت‌بام کعبه دراز بکشد چشمانش به طرف آسمان باشد، و یفتح عینیه الی السماء و یعقد بقلبه القبلة‌ التی فی السماء البیت المعمور، ‌و قصد کند که استقبال می‌‌کند بیت المعمور را که قبله آسمان است، و یقرأ حمد و سوره را می‌‌خواند فاذا اراد ان یرکع غمض عینیه و اذا اراد ان یرفع رأسه من الرکوع فتح عینیه و السجود علی نحو ذلک، ‌نماز ایمائی می‌‌خواند. این روایت هم سندش ضعیف است بخاطر وجود مجاهیل مثل اسحاق بن محمد و عبدالسلام بن سالم در سند آن.

مرحوم شیخ طوسی در خلاف جلد 1 صفحه 441 این مسأله را مطرح کرده. فرموده: اذا صلی فوق الکعبة صلی مستلقیا علی قفاه متوجها الی البیت المعمور و یصلی ایماءا. طبق این روایت عبدالسلام بن صالح فتوی داده. بعد می‌‌گوید دلیلنا اجماع الفرقة. دلیل ما اجماع علماء شیعه است.

اجماع‌هایی که شیخ طوسی در خلاف ذکر می‌‌کند ظاهرا اجماع به این نحو است که یک حدیثی را مطرح می‌‌کند بعد می‌‌گوید چون اجماع داریم بر حجیت خبر واحد، این هم که خبر واحد است پس اجماع بر حکم آن داریم. و شاید قصدش احتجاج با عامه و جدل با عامه باشد. بهرحال اعتباری به آن نیست.

و لذا مقتضای قاعده این است که پشت‌بام کعبه نماز در آن جایز نیست. و این فرقی نمی‌کند که نماز نافله باشد یا فریضه. برای این‌که نماز نافله هم در حال اختیار و در غیر حال مشی، باید به سمت قبله باشد. لاصلاة‌ الا الی القبلة. فقط فرضی که خارج شده آن فرضی است که انسان در حال راه رفتن نماز نافله بخواند. بنابراین این فرمایش صاحب عروه که فرموده الاحوط ترک الفریضة علی سطح الکعبة و لابأس بالنافلة این قابل مناقشه است. راجع به نماز فریضه بر سطح کعبه چرا ایشان به احتیاط واجب اکتفاء کرد؟ به نظر می‌‌رسد که بحث بالاتر از احتیاط واجب است باید فتوی داد به بطلان فریضه بر روی پشت‌بام کعبه.

شبهه‌ای که ممکن است در ذهن صاحب عروه بوده این بوده که ما از ادله استقبال قبله این ظهور را نمی‌فهمیم که حتی اگر بر پشت‌بام کعبه هم بودی و بعض اجزاء کعبه روبروی تو بود این درست نیست. بطور متعارف که بیرون کعبه نماز می‌‌خواندند خطاب به آن‌ها است که و اینما کنتم فولوا وجوهک شطره، اطلاق ندارد نسبت به آن جایی که روی پشت‌بام کعبه است یا داخل کعبه است که بعدا خواهیم گفت. ولی این به نظر ما درست نیست. چرا اطلاق ندارد لاصلا‌ة الا الی القبلة؟ چرا اطلاق نداشته باشد اینما کنتم فولوا وجوهکم شطره؟ و عرفا صدق نمی‌کند کسی که بر پشت‌بام کعبه است که او استقبال کرده است کعبه را. و اینی هم که فرموده لابأس بالنافلة این هم به نظر ما ایراد دارد که توضیح دادیم.

اما راجع به نماز در داخل کعبه: مقتضای قاعده را بیان کردیم که مقتضای قاعده این است که نماز در داخل کعبه اختیارا صحیح نیست چون استقبال قبله و توجه به بیت الله مختل می‌‌شود. اما در نماز در داخل کعبه روایاتی داریم. برخی از روایات نهی کرده از نماز فریضه در داخل کعبه و برخی از روایات تجویز کرده نماز فریضه در داخل کعبه را. هر دو طائفه از روایات را بخوانیم.

اما طائفه اول که نهی کرده از نماز فریضه داخل کعبه، یکی صحیحه معاویة بن عمار است که در وسال الشیعة جلد 4 صفحه 337 نقل می‌‌کند عن ابی عبدالله علیه السلام قال لاتصلی المکتوبة‌ فی الکعبة فان النبی صلی الله علیه و آله لم یدخل الکعبة‌ فی حج و لا عمرة و لکنه دخلها فی الفتح فتح مکة و صلی رکعتین بین العمودین و معه اسامة بن زید. در فتح مکه پیامبر وارد مکه شد و دو رکعت نماز مستحب خواند بین دو عمود در داخل کعبه اما نماز فریضه در داخل کعبه نباید بخوانید.

روایت دوم صحیحه محمد بن مسلم است در همان صفحه وسائل عن احدهما علیهما السلام لاتصلح صلاة‌ المکتوبة‌ فی جوف الکعبة. نماز فریضه در داخل کعبه درست نیست. لاتصلح ظهور دارد در نفی صحت. بر فرض کسی بگوید لاتصلح با کراهت هم می‌‌سازد، می‌‌شود مجمل، ‌صحیحه معاویة بن عمار مبین است. و این احتمال که کسی مطرح کند لاتصلح ظهور دارد در کراهت، ‌این احتمال کاملا غیر عرفی است. لاتصلح بیان آخری است از این‌که یعنی تفسد. این راجع به طائفه اول که نهی کرده از صلات فریضه داخل کعبه.

طائفه دوم روایتی است که تجویز کرده صلات فریضه داخل کعبه را. در وسائل الشیعة جلد 4 صفحه 337 نقل می‌‌کند از شیخ طوسی به اسنادش از حسین بن سعید از حسن بن علی بن فضال از یونس بن یعقوب قلت لابی عبدالله علیه السلام حضرت الصلاة‌ المکتوبة و انا فی الکعبة أ اصلی فیها قال صل.

مرحوم شیخ طوسی فرموده است: این موثقه یونس بن یعقوب را ما حمل می‌‌کنیم بر فرض ضرورت.

انصاف این است که این حمل عرفی نیست. برای این‌که بیان حکم اضطرار به نحو مطلق، این عرفیت ندارد و حمل یک خطاب مطلق بر عنوان ثانوی اضطرار به هیچوجه جمع عرفی نیست. حضرت الصلاة المکتوبة‌ یعنی اول وقت، ‌فرض متعارفش این است که می‌‌توانسته بیاید بیرون، ولی حالا اول اذان داخل کعبه بوده، سؤال می‌‌کند أ اصلی فیها قال صل. نه تنها حمل این حدیث بر فرض اضطرار عرفی نیست بلکه ظاهر و شاید بگوییم صریح این روایت فرض عدم اضطرار است. پس این جمع مرحوم شیخ طوسی جمع تامی نیست.

جمع دوم این است که گفته بشود ما حمل می‌‌کنیم نهی در طائفه اول را بر نهی کراهتی. چون در طائفه اول حضرت فرمود لاتصل المکتوبة‌ فی الکعبة طائفه ثانیه فرموده صل و این در مقام توهم حظر است یعنی لابأس بالصلاة فی جوف الکعبة، قطعا به معنای وجوب نماز در آن‌جا که نیست. و لذا حمل می‌‌کنیم نهی در طائفه اول را بر کراهت و می‌‌گوییم نماز فریضه در داخل کعبه خواندن در حال اختیار مکروه است. این راجع به نماز فریضه.

راجع به نماز نافله هم که مفاد این روایات که در خصوص مکتوبه فرمود لاتصل و همین‌طور روایات دیگری که بیان کردند که نماز نافله در جوف کعبه مانعی ندارد، مقتضای این‌ها این است که بشود نماز نافله را در جوف کعبه خواند و برخی از روایات هم دلالت بر این می‌‌کند.

کلام واقع می‌‌شود در احکام مسجد جبهه. فصل فی مسجد الجبهة من مکان المصلی. صاحب عروه فرموده است یشترط فیه مضافا الی طهارته ان یکون من الارض أو ما انبته غیر المأکول و الملبوس که ان‌شاءالله در جلسه آینده آن را دنبال می‌‌کنیم.

و الحمد لله رب العالمین.